

بررسی نسبت توحید با مفهوم عفاف و پوشش اسلامی

فاطمه کفیل الناس^۱

چکیده

توحید به عنوان اصلی ترین مبنای اندیشه اسلامی، تأثیر عمیقی بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. این مقاله با هدف تبیین نسبت میان توحید با دو مفهوم بنیادین «عفاف» و «پوشش اسلامی» به بررسی آموزه های دینی در این زمینه می پردازد. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و مبتنی بر منابع قرآنی، روایی و آثار اندیشمندان اسلامی است. در بخش اول، ابتدا به تبیین معنای توحید در نگاه اسلامی و سپس به مفهوم عفاف در قرآن و سنت پرداخته می شود. در ادامه، نقش ایمان به خدا در ایجاد عفاف درونی، رابطه توحید با خودکنترلی در برابر امیال، و تبیین عفاف به عنوان ثمره معرفت توحیدی بررسی می گردد. در بخش دوم، جایگاه پوشش در نظام ارزشی اسلام، نقش آن در بندگی و قرب الهی، و رد نگاه ابزاری به زن از منظر توحید مورد بحث قرار می گیرد. همچنین، پوشش اسلامی به مثابه نماد عبودیت و نقش جامعه توحیدی در ترویج آن تحلیل می شود. یافته های مقاله نشان می دهد که توحید، ریشه ساز عفاف و پوشش اسلامی است و در پرتو آن، حجاب به عنوان تجلی بندگی خداوند معنا می یابد.

کلید واژه: ایمان، پوشش اسلامی، توحید، حجاب، حیا، سبک زندگی توحیدی، عفاف.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها، یزد.

در آموزه‌های اسلامی، توحید نه تنها یک اصل اعتقادی بنیادین است، بلکه زیربنای تمام ابعاد فردی و اجتماعی سبک زندگی مؤمنانه به شمار می‌آید. یکی از ثمرات مهم توحید در زندگی انسان، ظهور عفاف و پوشش صحیح در رفتار فردی و اجتماعی است. در این میان، به رغم جایگاه بلند توحید در نظام ارزشی اسلام، اغلب نگاه‌ها به موضوع عفاف و حجاب، محدود به بُعد ظاهری و دستورات فقهی بوده و کمتر به ریشه‌های معرفتی و اعتقادی آن توجه شده است. در جامعه امروز، یکی از چالش‌های فرهنگی، کاهش حساسیت نسبت به ارزش‌های عفاف و پوشش اسلامی است. این مسئله، نه فقط یک بحران رفتاری، بلکه نشانه‌ای از ضعف در بنیادهای اعتقادی و توحیدی برخی افراد است. از این رو، ضروری است که رابطه میان ایمان به خدای یگانه و بروز رفتارهای پاکدامنه درونی و بیرونی به طور دقیق و علمی بررسی شود. در واقع، پرسش اصلی این است که چه نسبتی میان توحید و باور به خدا با مفهوم عفاف و پوشش اسلامی وجود دارد؟ و آیا می‌توان عفاف و حجاب را میوه و نشانه‌ای از ایمان توحیدی دانست؟ این مقاله در پی آن است تا با تکیه بر منابع قرآن و روایات و با رویکردی اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، پیوند میان توحید با عفاف و پوشش اسلامی را تبیین کرده و جایگاه هر یک را در سبک زندگی اسلامی روشن سازد.

در موضوع توحید، عفاف و پوشش اسلامی آثار متعددی نوشته شده است، اما بررسی نسبت مستقیم توحید با مفاهیم عفاف و پوشش، کمتر مورد توجه مستقلی قرار گرفته است. در ادامه به برخی آثار مرتبط اشاره می‌شود: مطهری، مرتضی، «مسئله حجاب»، تهران: صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۹. استاد مطهری در این کتاب به تحلیل فلسفه حجاب پرداخته و از نگاه اجتماعی، روانی و دینی مسئله پوشش را بررسی کرده است. با اینکه اشاره‌هایی به مسئله خداشناسی و کرامت زن دارد، ولی محور اصلی بحث، توحید و ارتباط آن با پوشش نیست. جوادی آملی، عبدالله، «زن در آینه جمال و جلال الهی»، قم: اسراء، چاپ دهم، ۱۴۰۰. در این اثر، نویسنده جایگاه زن را در نظام توحیدی تحلیل کرده و به طور ضمنی به رابطه بین توحید و حیا و عفاف پرداخته است. با این حال، بحث‌های مربوط به پوشش، بیشتر در چارچوب کرامت زن مطرح شده و تحلیل منظمی از نسبت مستقیم توحید و حجاب ارائه نمی‌شود. پناهیان، علیرضا، «حیا؛ عامل جذابیت در روابط زن و مرد»، تهران: بیان معنوی، ۱۳۹۶. کتابی با رویکرد اخلاقی و کاربردی که در آن، به تأثیر معرفت خداوند در تقویت حیا و عفاف اشاره شده، اما پیوند نظری و عمیق میان توحید و عفاف به صورت نظام‌مند و دقیق مورد بررسی قرار نگرفته است. سلیمیان، علی، «تأثیر ایمان به خداوند بر رفتار اخلاقی»، در: فصلنامه معرفت اخلاقی، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳، صص ۵۳-۷۴. نویسنده در این مقاله، تأثیر باور به خداوند را در رفتارهای

اخلاقی انسان از جمله حیا و عفاف تحلیل می‌کند. رویکرد مقاله بیشتر روان‌شناختی و اخلاقی است و به مسئله پوشش اسلامی یا نگاه ساختاری به توحید پرداخته است. نصر، سید حسین، «اسلام و هنر»، ترجمه احمد آرام، تهران: سروش، ۱۳۸۱. نویسندگان در ضمن مباحثی درباره زیبایی‌شناسی اسلامی، اشاره‌ای عمیق به رابطه میان توحید، زیبایی و حیا دارد، ولی این مباحث پراکنده‌اند و به‌طور مستقیم به پوشش اسلامی مربوط نمی‌شوند. با توجه به منابع بررسی‌شده، می‌توان گفت که: اکثر آثار مرتبط، به‌طور جداگانه به موضوع توحید، عفاف یا پوشش اسلامی پرداخته‌اند. رابطه میان توحید و عفاف، یا توحید و پوشش اسلامی، بیشتر به‌صورت ضمنی یا پراکنده مطرح شده است. - خلاصه اصلی در این است که تحقیقی مستقل و منسجم که به‌صورت نظام‌مند، نسبت توحید با دو مفهوم عفاف و پوشش را بررسی کرده باشد، کمتر یافت می‌شود. مقاله پیش‌رو با تمرکز بر نسبت مستقیم و ساختاری میان توحید، عفاف و پوشش اسلامی، سعی دارد این سه مفهوم بنیادین را در یک نظام فکری توحیدی تحلیل کرده و تأثیر نگاه توحیدی را بر رفتار فردی و اجتماعی در زمینه پوشش و حیا روشن سازد. چنین نگاهی می‌تواند الگویی تازه برای تحلیل اخلاق اسلامی با محوریت توحید ارائه دهد.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین رابطه بنیادین میان باور توحیدی و مفاهیم رفتاری مانند عفاف و پوشش اسلامی است. در این نوشتار، سعی می‌شود نشان داده شود که عفاف و حجاب، تنها یک دستور فقهی یا عرفی نیست، بلکه ریشه‌ای عمیق در باورهای توحیدی انسان دارد. توحید به‌عنوان زیربنای تمام معارف دینی، اگر در جان انسان نهادینه شود، به صورت طبیعی در رفتارهای اخلاقی و اجتماعی مانند حیا، پاکدامنی و پوشش ظاهر خواهد شد. از این رو، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه نگاه توحیدی می‌تواند زمینه‌ساز عفاف درونی و پوشش ظاهری شود و چه نسبتی میان این ارزش‌ها وجود دارد؟ این هدف از طریق تحلیل مفاهیم قرآنی، روایی و اخلاقی و پیوند آن با سبک زندگی توحیدی دنبال می‌شود. با توجه به وضعیت فرهنگی جوامع اسلامی، به‌ویژه چالش‌های هویتی نسل جوان در مواجهه با پدیده‌هایی چون تضعیف حجاب، عادی‌سازی بی‌عفتی، و گسترش نگاه مادی‌گرا به زن، پرداختن به ریشه‌های اعتقادی حجاب و عفاف ضرورتی دوچندان دارد. امروزه بسیاری از نگاه‌ها به حجاب، صرفاً جنبه حقوقی یا اجتماعی دارد و از بُعد معرفتی و توحیدی آن غفلت می‌شود. حال آن‌که اگر حجاب و عفاف، ثمره ایمان به خداوند متعال و معرفت به ربوبیت و عبودیت او معرفی شود، تأثیرگذاری آن درونی و پایدار خواهد بود. از سوی دیگر، آموزش سبک زندگی توحیدی یکی از رسالت‌های مهم حوزه علمیه است. طلاب باید بتوانند با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، تبیینی عمیق و ریشه‌ای از مفاهیم اخلاقی ارائه دهند.

بخش اول: توحید و رابطه آن با عفاف

این بخش به بررسی پیوند عمیق بین یکتاپرستی و روحیه عفاف درونی انسان می‌پردازد. در ابتدا مفهوم توحید در نگاه اسلامی تبیین می‌شود، سپس جایگاه عفاف در آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأثیر ایمان به خدا در تقویت کنترل درونی و شرم از گناه، محور دیگر این بخش است. رابطه توحید با قدرت مهار نفس و دوری از تمایلات ناپسند نیز بررسی می‌شود. در نهایت، عفاف به عنوان ثمره شناخت و باور قلبی به خداوند معرفی می‌گردد. این بخش نشان می‌دهد که عفاف بدون توحید ریشه‌دار و پایدار نخواهد بود.

۱. تعریف توحید در نگاه اسلامی

توحید به عنوان بنیادی‌ترین اصل اعتقادی در اسلام، نه تنها پایه‌ی دیگر آموزه‌های دینی است، بلکه بستر معنایی بسیاری از مفاهیم ارزشی و رفتاری از جمله عفاف را نیز فراهم می‌سازد. در قرآن کریم، توحید هم در قالب معرفت‌شناسی و هم در قالب هستی‌شناسی تبیین شده و به شکل‌های مختلف، از جمله توحید در ربوبیت، توحید در الوهیت، توحید در خالقیت و توحید در اطاعت، مورد تأکید قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۷۶).

در نگاه اسلامی، توحید صرفاً یک مفهوم نظری یا اعتقادی نیست، بلکه امری زنده و جاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست. به تعبیر علامه طباطبایی، توحید در قرآن به معنای «وحدت حقیقی وجود خداوند و بی‌نیازی او از هر موجود دیگر» است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۹۴). این تعریف بر خالص‌سازی اندیشه و رفتار انسان از شرک و گرایش‌های غیرالهی تأکید دارد و بر تمامی ابعاد زندگی بشر سایه می‌افکند. از منظر قرآن کریم، توحید دعوتی فراگیر است به سوی یکتاپرستی و عبودیت خالصانه برای خداوند متعال: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ مردم مأمور نشدند مگر برای اینکه تنها خدا را بپرستند در حالی که دین را برای او خالص گردانند. (البینه: ۵)

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا؛ بگویند «لا إله إلا الله» تا رستگار شوید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۶). این تعبیر نشان می‌دهد که توحید نه فقط یک عقیده بلکه یک راه رستگاری و سعادت فردی و اجتماعی است. همچنین توحید با مفهوم عبودیت گره خورده است. عبودیت در فرهنگ اسلامی به معنای پذیرش آگاهانه و اختیاری بندگی در برابر خداوند است که از دل معرفت توحیدی نشأت می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۴۵). در این دیدگاه، انسان موحد خود را مالک حقیقی خویش نمی‌داند و همه شئون زندگی‌اش را تحت ولایت خداوند می‌بیند؛ بنابراین رفتار او، از جمله رفتارهای

پوششی و جنسی، در چارچوب خدامحوری تنظیم می‌شود. با دقت در منابع اسلامی درمی‌یابیم که توحید دارای ابعاد متعددی است: در این بُعد، خداوند خالق و ربّ همه‌ی موجودات معرفی می‌شود و هیچ نیرویی را در آفرینش و تدبیر امور شریک او نمی‌داند: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر: ۶۲). این شناخت، انسان را به این باور می‌رساند که هیچ قدرتی جز خداوند نمی‌تواند مالک یا مدبر امور او باشد؛ از همین‌رو انسان موحد تحت تأثیر جلب رضایت دیگران لباس نمی‌پوشد، بلکه ملاک در رفتارهایش رضایت الهی است.

توحید در الوهیت بیانگر این حقیقت است که تنها خداوند شایسته پرستش و اطاعت است: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (فاتحه: ۵). انسانی که چنین دیدگاهی دارد، در رفتارهایش نه دنباله‌رو مُدهای بی‌ریشه است و نه تسلیم نگاه‌های آلوده، بلکه هدفش اطاعت از معبود یکتاست که خود را در قالب عفاف و حفظ حرمت ظاهر می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۹۸).

یکی از جلوه‌های عینی توحید، توحید در اطاعت است. طبق این اصل، انسان نباید از غیرخدا در مسائلی که خلاف حکم اوست تبعیت کند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ...» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۲) که در ادامه بیان می‌کند اطاعت از خداوند نتیجه معرفت اوست. بنابراین انسان موحد، در تمام افعال و رفتارهایش، اعم از اقتصادی، اجتماعی، و حتی نحوه‌ی پوشش، خود را تابع احکام الهی می‌بیند و از الگوهای غیرالهی پیروی نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

توحید تأثیری عمیق در تربیت اخلاقی و رفتاری انسان دارد. توحید موجب آزادگی، عزت نفس، طهارت باطن، و دوری از اسارت نفس می‌شود. چنین فردی، ارزش و کرامت خویش را در بندگی خدا می‌بیند، نه در جلب نگاه دیگران یا برهنگی ظاهری. عفاف در این چارچوب، نه یک تحمیل اجتماعی بلکه یک انتخاب آگاهانه و الهی است (رجبی دوانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶).

۲. عفاف در قرآن و روایات

عفاف از جمله مفاهیم بنیادین اخلاقی و دینی است که در فرهنگ اسلامی جایگاهی رفیع دارد و در آیات قرآن و روایات اهل‌بیت (ع) با تأکید فراوان مورد توجه قرار گرفته است. عفاف به معنای خودنگهداری، خویش‌داری در برابر گرایش‌های غریزی، و حفظ کرامت انسانی در مواجهه با جاذبه‌های مادی و شهوانی است. این مفهوم در نگاه توحیدی، نه تنها یک فضیلت فردی، بلکه بخشی از سبک زندگی الهی و نشانه عبودیت در برابر پروردگار به شمار می‌آید.

در واقع، پوشش نوعی شعائر دینی است که یاد خدا و اعتقاد به او را در جامعه زنده نگاه می‌دارد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ بزرگداشت شعائر الهی از تقوای دل‌هاست.» (الحج: ۳۲). از این رو، پوشش می‌تواند یک ابزار تبلیغی مؤثر و نرم باشد که پیام ایمان را در محیط‌های مختلف منتقل می‌سازد (رجبی دوانی، ۱۳۹۴، ص ۸۹).

در جهان‌بینی توحیدی، پوشش نه امری تشریفاتی، بلکه جوهره‌ای از عبودیت و تسلیم در برابر خداوند است. موحد با پوشش خود، تواضع خویش را نسبت به پروردگار ابراز می‌کند، از سلطه دنیوی و نگاه‌های شهوت‌زده می‌گریزد و هویت ایمانی خویش را تثبیت می‌نماید. پوشش اسلامی، یکی از جلوه‌های عینی ایمان به توحید است که در عرصه زندگی اجتماعی، پیام عبودیت را به نمایش می‌گذارد.

۵. نقش جامعه توحیدی در ترویج پوشش اسلامی

جامعه توحیدی، ساختاری اجتماعی است که بر مبنای ایمان به خدای یگانه، اطاعت از دستورات الهی و ارزش‌های برآمده از وحی بنا شده است. در چنین جامعه‌ای، تمامی ابعاد زندگی، از جمله مناسبات فردی و اجتماعی، تحت تأثیر اصل توحید قرار دارد. یکی از جلوه‌های برجسته^{۵۱} این تأثیر، ترویج و پاسداری از پوشش اسلامی است؛ زیرا حجاب، نمادی از بندگی و التزام به حدود الهی است و جامعه توحیدی باید بستر تحقق و گسترش این التزام باشد. جامعه توحیدی، با ترویج فرهنگ دینی و هنجارهای برخاسته از توحید، به پوشش اسلامی معنا و هویت می‌بخشد. در این جامعه، پوشش نه تنها یک ضرورت فردی بلکه یک ارزش اجتماعی است که ریشه در بینش توحیدی دارد. این ارزش، از آن رو که ناظر به اطاعت از خداوند متعال و پذیرش ربوبیت اوست، به شکل‌گیری هویتی متعهد و خداگرا در افراد جامعه منجر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۲). از منظر قرآن نیز، امت اسلامی باید به عنوان «خیر امت» در امر به معروف و نهی از منکر فعال باشد (آل عمران: ۱۱۰)، که یکی از مصادیق بارز آن، دعوت به رعایت پوشش اسلامی در جامعه است.

در جامعه توحیدی، امر به معروف و نهی از منکر یک مسئولیت اجتماعی فراگیر است. بر این اساس، اعضای جامعه نه تنها مسئول رفتار فردی خویش‌اند، بلکه در برابر رفتارهای اجتماعی نیز مسئولیت دارند. بنابراین، ترویج پوشش اسلامی یک وظیفه^{۵۲} جمعی است که در پرتو اصل توحید معنا می‌یابد؛ چرا که انسان موحد، خود را در برابر خداوند پاسخ‌گو دانسته و موظف به اصلاح جامعه می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۴۳۶). در این نگاه، بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت پوشش در جامعه، نوعی غفلت از رسالت توحیدی و دینی تلقی می‌شود.

در جامعه توحیدی، نهادهای فرهنگی و دینی مانند مسجد، مدرسه، رسانه و خانواده، مأموریت دارند تا سبک زندگی اسلامی و از جمله حجاب را ترویج دهند. این نهادها باید با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و زبان هنر و فرهنگ، پوشش اسلامی را به عنوان نمادی از کرامت زن و پابندی به ارزش‌های الهی معرفی کنند (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۰: ص ۹۸). جامعه‌ای که این نهادها در آن فعال و هم‌جهت باشند، می‌تواند نسل‌های خود را با رویکردی ایمانی نسبت به حجاب تربیت کند و از تأثیرپذیری آنان از الگوهای غربی و سکولار جلوگیری نماید. از منظر توحیدی، هرگونه تلاش برای تضعیف حجاب اسلامی، مقابله با امر الهی و ارزش‌های وحیانی است. جامعه موحد، وظیفه دارد در برابر گفتمان‌هایی که پوشش اسلامی را تحقیر کرده یا آن را مانع آزادی زن می‌دانند، مقاومت فرهنگی و معرفتی کند. در واقع، جامعه توحیدی با تکیه بر مبانی عقلانی و وحیانی، می‌تواند نشان دهد که حجاب نه ابزار سرکوب، بلکه عامل رشد شخصیت معنوی زن و جلوگیری از ابتدال اوست (بهشتی، ۱۳۸۶: ص ۷۴). این جامعه با اصلاح باورها و روشن‌گری معارفی، هویت ایمانی زنان را تقویت می‌کند.

در جامعه توحیدی، زنان با الگوگیری از شخصیت‌های قرآنی و دینی همچون حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و حضرت مریم (علیها‌السلام)، به تبلور سبک زندگی توحیدی در حوزه پوشش و عفاف کمک می‌کنند. این جامعه، با گرامی‌داشت زنان محجبه و نقش‌آفرین در عرصه‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی، حجاب را به عنوان بخشی از زیست مؤمنانه به تصویر می‌کشد (حسینی، ۱۳۹۸: ص ۱۱۲). در چنین جامعه‌ای، حجاب نه تنها محدودیت نیست، بلکه مایه افتخار و نشانه بلوغ ایمانی و اجتماعی تلقی می‌شود.

نتیجه گیری

موضوع توحید به عنوان بنیادین ترین اصل اعتقادی در اسلام، تأثیری عمیق و همه جانبه بر ساحت های گوناگون زندگی انسان دارد. یکی از عرصه هایی که نسبت مستقیمی با توحید دارد، مسئله عفاف و پوشش اسلامی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی این پیوند، در دو بخش تنظیم شد.

در بخش اول روشن شد که توحید در نگاه اسلامی تنها به معنای اعتقاد ذهنی به یگانگی خداوند نیست، بلکه اقتضا دارد که انسان، همه شئون زندگی خود را بر مدار عبودیت الهی سامان دهد. عفاف، به عنوان ملکه ای درونی که انسان را به دوری از گناه و التزام به پاکی سوق می دهد، ریشه در معرفت و ایمان توحیدی دارد. باور به ربوبیت و مراقبت دائمی خداوند، زمینه ساز خودکنترلی و تقوای درونی می شود. بدین ترتیب، هرچه معرفت انسان به توحید عمیق تر شود، عفاف در وجود او شکوفاتر می گردد.

در بخش دوم، نسبت توحید با پوشش اسلامی بررسی شد. پوشش ظاهری، نه تنها یک حکم فقهی بلکه نمادی از بندگی و تواضع در برابر خداوند است. زن و مرد مؤمن، وقتی از دریچه توحید به پوشش می نگرند، آن را وسیله ای برای تقرب به خدا و حفظ کرامت انسانی خود می دانند. در این نگاه، بدن انسان نه کالایی برای نمایش، بلکه امانتی الهی است که باید از آن پاسداری شود. همچنین، توحید با نقد نگاه ابزاری به زن، کرامت او را در سایه ایمان به خدا تضمین می کند. در پایان نیز تأکید شد که ساختار جامعه توحیدی، وظیفه دارد زمینه رشد عفاف و حجاب را برای اعضای خود فراهم کند.

در مجموع، مقاله نشان داد که عفاف و پوشش در منظومه فکری اسلام، فرع و میوه درخت توحید هستند و بدون باور قلبی به خدا و بندگی، این دو مفهوم به صورت ریشه دار و پایدار در انسان تحقق نخواهند یافت. بر این اساس، اصلاح نگرش توحیدی در جامعه، زمینه ساز گسترش فرهنگ عفاف و حجاب خواهد بود.

- (۱) بهشتی، محمدحسین (۱۳۸۱). زن و بازیابی هویت حقیقی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۲) تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۵ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- (۳) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مقالاتی در دین و فرهنگ. قم: اسراء.
- (۴) رجبی دوانی، محمدحسین (۱۳۹۴). اخلاق در قرآن. تهران: بوستان کتاب.
- (۵) راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دارالقلم.
- (۶) رسولی محلاتی، محمدباقر (بی تا). نهج الفصاحه: کلمات قصار پیامبر اکرم (ص). قم: دارالکتب الاسلامیه.
- (۷) رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۹۰). زن، خانواده و سبک زندگی اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
- (۸) سروش محلاتی، محسن (۱۳۹۴). حجاب در ترازوی اجتهاد. قم: بوستان کتاب.
- (۹) شریعتی، علی (۱۳۸۰). بازگشت به خویشتن. تهران: چاپ نی.
- (۱۰) صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع. قم: نشر دارالحديث.
- (۱۱) طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۲) عبدالکریمی، بیژن (۱۳۹۳). زن و بازیابی هویت انسانی در جهان معاصر. تهران: نقد فرهنگ.
- (۱۳) فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی.
- (۱۴) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۲.
- (۱۵) مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- (۱۶) مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). اخلاق در قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،
- (۱۷) مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
- (۱۸) مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). آشنایی با علوم اسلامی: جلد اول (کلام). تهران: صدرا.

۱۹) نصر، سید حسین (۱۳۸۲). اسلام و زن؛ چشم‌اندازی عرفانی و فلسفی، ترجمه مجتبی دارابی، حکمت.

۲۰) نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت، ج ۱۳.